

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

هر جا همیشه نماز خوند

شاعر: سید محمد مهاجرانی
تصویرگر: خدیجه حسینی

مسجد

گنبد فیروزه ای
حیاط و حوض پر آب
گلدسته‌های آبی
گل‌های سرخ و شاداب

بوی بنفشه و یاس
یه باغ سبز و زیبا
بوی خوش عبادت
یه مسجد با صفا

سجاده‌های کوچک
بچه‌های کوچولو
توی صف نمازند
گل‌های شاد و خوش بو

خدا چون مهربون
هرجا باشیم پیش ماست
مرف زدن ما با اون
چه رامت و چه زیباست!





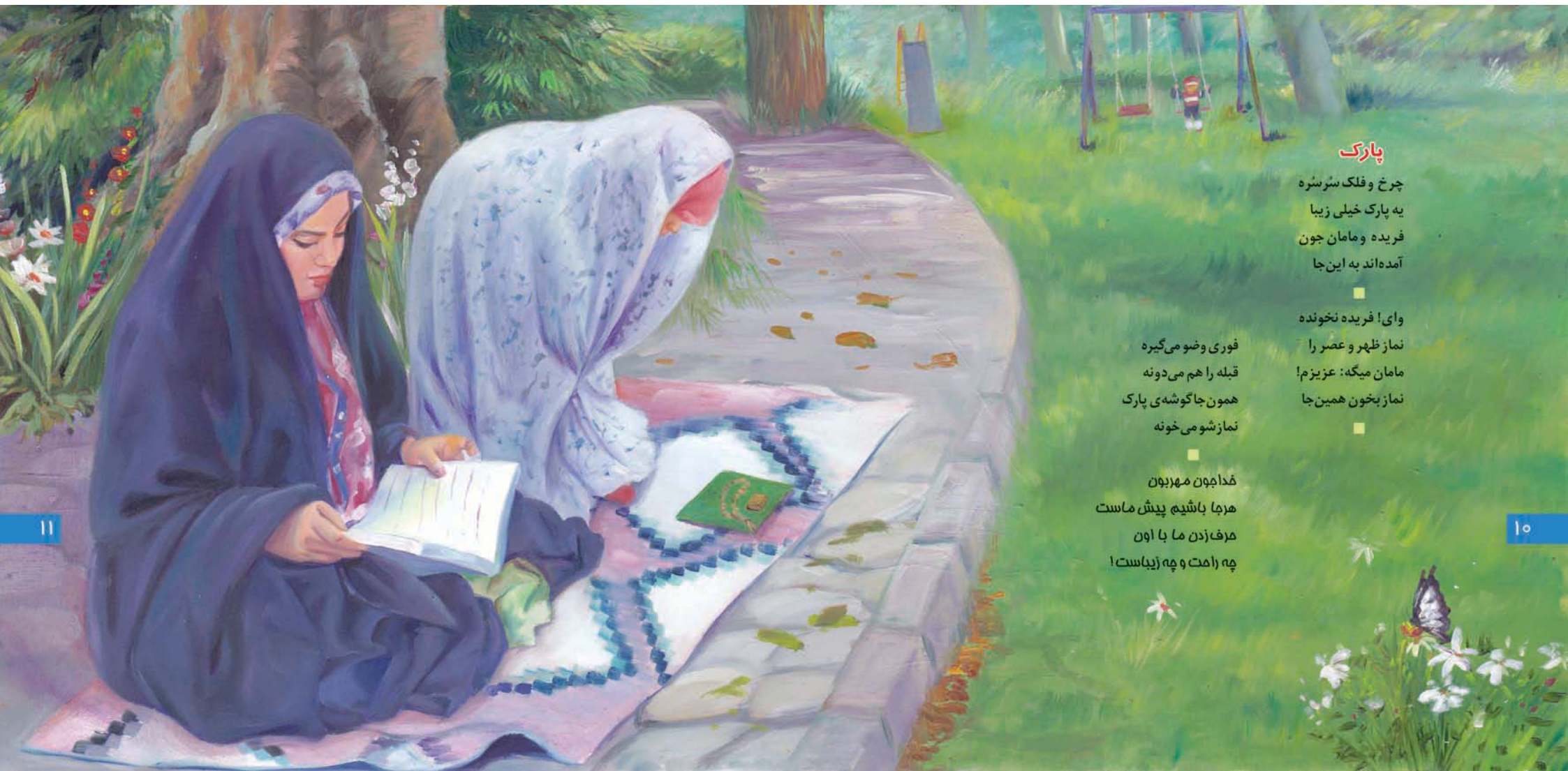
خانه

یه خونه ی خیلی خوب
مامان بابا بچه ها
نشسته اند پیش هم
چه جالب و با صفا!

تو آسمون شکفته
چند تا گل ستاره
می رسه از پنجره
بانگ اذان دوباره

افراد خانواده
آماده ی نمازند
بچه های کوچولو
وقت نماز چه نازند!

خدا چون مهربون
هرجا باشیم پیش ماست
مرف زدن ما با اون
چه راحت و چه زیباست!



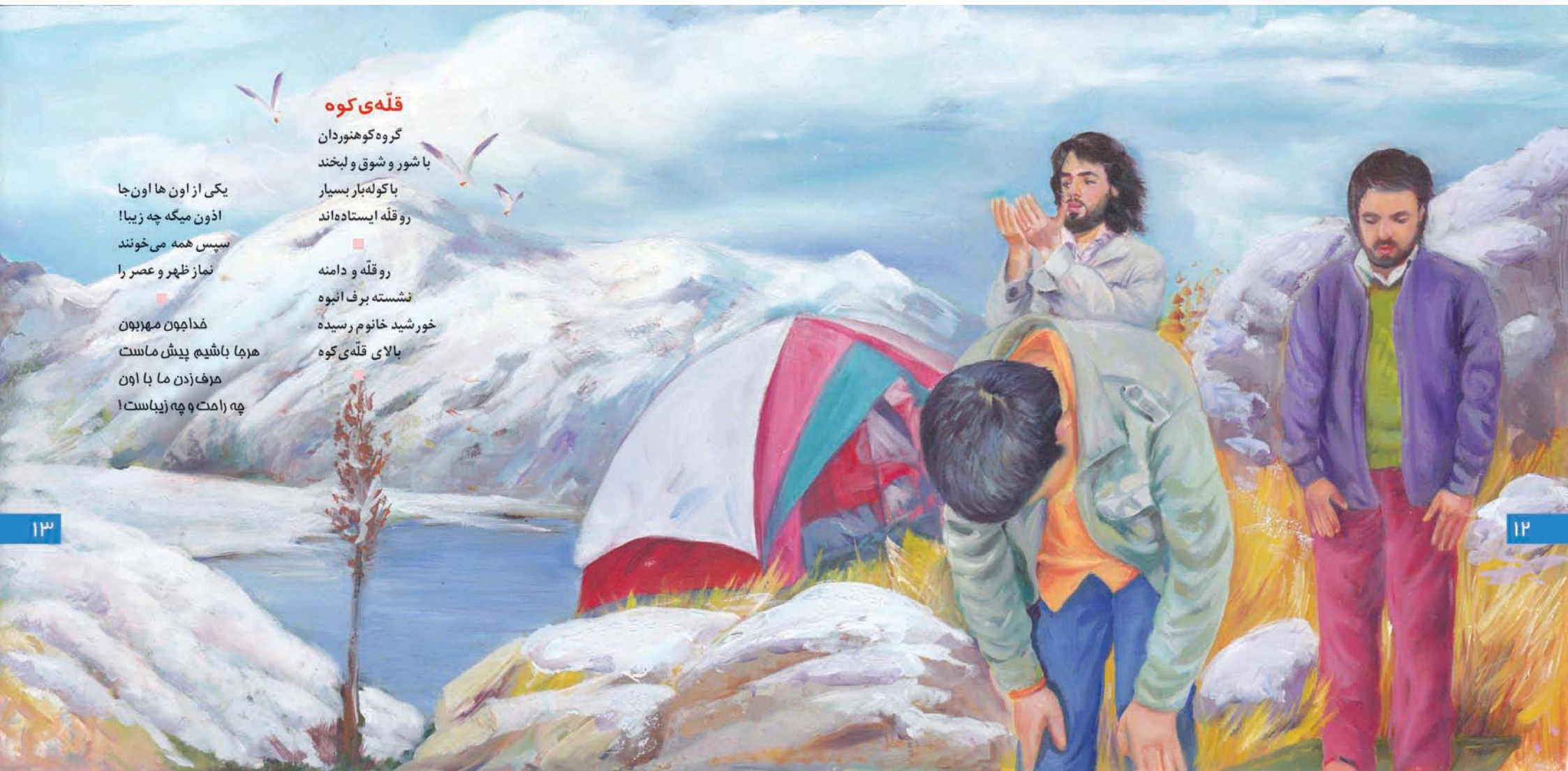
پارک

چرخ و فلک سرسره
به پارک خیلی زیبا
فریده و مامان جون
آمده اند به این جا

وای! فریده نخونده
نماز ظهر و عصر را
مامان میگه: عزیزم!
نماز بخون همین جا

فوری وضو می گیره
قبله را هم می دونه
همون جا گوشه ی پارک
نمازشو می خونه

خدا جون مهربون
هرجا باشیم پیش ماست
مرف زدن ما با اون
چه راحت و چه زیباست!



قله‌ی کوه

گروه کوهنوردان
با شور و شوق و لبخند
با کوله‌بار بسیار
رو قله ایستاده‌اند
رو قله و دامنه
نشسته برف انبوه
خورشید خانوم رسیده
بالای قله‌ی کوه

یکی از اون‌ها اون‌جا
اذون میگه چه زیبا!
سپس همه می‌خوندند
نماز ظهر و عصر را

فداچون مهربون
هرجا باشیم پیش ماست
مرف‌زدن ما با اون
چه راحت و چه زیباست!